



دکتر نادر طالب‌زاده

## باید الگوی زیستانه‌اسلامی را یافت

دهه هفتاد میلادی من در امریکا بودم. آن‌چه اهمیت دارد، این است که بدانیم در سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ دنیا چه دنیایی بود و در سال‌های ۵۸-۱۳۵۷ چه اتفاقی افتاد. انسان باید برخی مسائل را ببیند تا باور کند. نسل جوان که هیچ کدام از این لحظات را شهودی درک نکرده است، باید از کسانی که این دوره را دیده‌اند و اکنون حاضر هستند، این‌ها را بشنود و بداند چه اتفاقی افتاد، چه بود و چه شد.

به راستی چرا در این زمانه، رسانه اهمیت دارد؟ یکی به سبب این است که ما در ایران اسلامی هستیم که موتور متحرک تمام تحولات اخیر جهان به شمار می‌آید. یکی از این تحولات، در عرصه رسانه است. مسأله‌ای که باید به آن پردازیم، حرکت به سوی رسانه اسلامی است. این مسأله مانند اقتصاد اسلامی و بسیاری از مسائل دیگر هنوز تبیین نشده است. اکنون ما نباید از الگوهای غربی استفاده کنیم. الگوهای غربی، ما را دچار قطع رابطه با هویت می‌کند. اگر الگوی اسلامی را پیدا نکنیم، بحران‌های بیش‌تری خواهیم داشت. امروز ایران اسلامی در جهان مسؤولیت دارد. با توجه به نبوغ، نیت پاک و نظام منحصر به فردی که در ایران وجود دارد، دشمنان برای نابود کردن آن در تلاش هستند و در این باره هم هیچ ابا و تعارفی ندارند. ما باید این الگوها را زودتر پیدا کنیم.

پیش از انقلاب در دانشگاه‌ای یو شگر د پروفیسور مولانا بودم و سپس به کلمبیا رفتم که می‌خواستیم سینما را بخوانیم. بعد از دوره سه ساله که سینما خواندم، به ایران آمدم و دیدم که اتفاق عجیبی افتاده است. کسی در دنیا تصور نمی‌کرد که اتفاقی این گونه بیفتد. اگر از اندیشمندانی همچون پروفیسور مولانا که در غرب زیسته‌اند، سؤال کنید که بعد از انقلاب، چه چیزهایی را در مورد رسانه در امریکا دریافتند، به شما خواهند

اسطوره‌سازی است. یکی این‌که می‌گویند مانمی توانیم جلوی این تکنولوژی‌ها را بگیریم. ولی من می‌گویم ما می‌توانیم جلوی تکنولوژی هسته‌ای را بگیریم. ما می‌توانیم جلوی اختراعات را کنترل کنیم. اختراعات اصلاً کنترل شده است. اصلاً اختراع بمب اتمی از اول محرمانه و کنترل شده بود و یک روزگاری هم می‌تواند محرمانه و کنترل شده این دنیا را از بین ببرد و یک موقعی هم می‌تواند به صورت کنترل شده، خودش از بین برود. من فکر می‌کنم این توانایی را هم دارد.

مسأله دومی هم که پیش می‌آورند این است که چون ما نمی‌توانیم جلوی این‌ها را بگیریم، این‌ها باید اخلاق و ارزش‌های خودشان را بسازند. درست است که شما از سنت، صحبت می‌کنید ولی خودتان را باید وفق دهید. اما چگونه باید خودمان را وفق دهیم؟

به عقیده من هیچ تکنولوژی‌ای به خودی خود بی طرف نیست. اصلاً تکنولوژی از فکر بشر به وجود می‌آید و فکر بشر ارزش‌هایی دارد. وقتی مخترع می‌خواهد چیزی را اختراع کند حتماً فکر کرده است که چرا من این را اختراع می‌کنم. تلگراف و ماهواره دو تکنولوژی مهم ۴۰۰ سال گذشته ما هستند و اصلاً قابل مقایسه با اتومبیل و تلفن نیستند. با اختراع تلگراف، تحول بزرگی به وجود آمد. اگر تلگراف نبود ما بین‌المللی نمی‌شدیم. تلگراف برای اولین بار پیام را به سرعت از یک مرز به مرز دیگر انتقال داد. جنگ و اقتصاد سرمایه‌داری را عوض کرد، تا ماهواره آمد. امروز تقریباً ۵۵ سال از تاریخ ماهواره می‌گذرد. ماهواره یک تکنولوژی توزیعی است نه تولیدی. یک ماشین چاپ، تکنولوژی تولیدی است، فقط کتاب را تولید می‌کند ولی در دنیا نمی‌تواند توزیع کند. ماهواره جداً انقلاب کرده است؛ ولی چون در موقعی که این ماهواره درست شد دنیای اسلام مدلولات فکری و نظری و توانایی علمی و سیاسی نداشته، اکنون تسلیم آن است. پنجاه سالی که من در امریکا بودم، خیلی جالب بود. تمام تحولات در این پنجاه سال اتفاق افتاد. تحولاتی چون ظهور تکنولوژی‌ها و رسانه‌های جدید و از جمله سقوط یک امپراتوری بزرگ به نام شوروی، تحولات اقتصادی سیاسی و از همه بیش‌تر پیروزی انقلاب اسلامی ایران. ما خیلی به انقلاب نزدیک هستیم و نمی‌توانیم عظمت آن را تشخیص دهیم. هر چه بیش‌تر دور می‌شویم، عمق این انقلاب را بهتر درک می‌کنیم. در این سی سال پیشرفت‌های بسیار زیادی به دست آمده است و امیدوارم در سی سال آینده با شتاب به مرحله‌ای عالی برسیم.

گفت که بعد از سال ۱۹۷۸ چشم‌ها به گونه‌ای دیگر باز شد. سیر تحولات سیاسی و جنگی و بحران‌هایی که غرب، آن‌ها را برای ایستادگی در مقابل تحول فکری این انقلاب ساخته، سیری عجیب است که باید در مورد آن کتاب نوشته شود. آن‌ها کتاب برای جماعت خودشان می‌نویسند و ما هم باید برای خودمان بنویسیم.

من به شما از مأموریتی گزارش می‌دهم که تلویزیون برای ساخت یک مجموعه مستند از امریکا به این جانب داد. من با این نیت به ایالات متحده رفتم که مستندی را درباره وقایع بعد از ۱۵ سپتامبر و رخدادهایی که بعد از لشکرکشی ایالات متحده به خاورمیانه در درون امریکا افتاد، برای مردم خودمان



تهیه کنم. شاید به ده شهر بزرگ امریکا رفتم. یکی می‌گفت که ما فکر کردیم به امریکا می‌روی و لیبرال‌تر می‌شوی؛ ولی حالا می‌بینیم بنیادگراتر شده و با

تأکید بیش‌تر بر مسائل اصولی خودت برگشته‌ای. این یک واقعیت است. ان شاء الله هنگامی که این مجموعه ۲۰ قسمتی «ایالات متحده، شمارش معکوس» را مشاهده کردید، با شنیدن مصاحبه‌ها بیش‌تر آن را درک خواهید کرد. با گریسیت در پارک ریورسایت و ایو در نیویورک مصاحبه شده است. ایشان مشاور امنیتی دو رئیس‌جمهور در زمان گروگان‌گیری جاسوس‌های امریکا در ایران بوده و امروزه بازنشسته است ولی در دانشگاه کلمبیا درس می‌دهد. یا در جای دیگر با اساتیدی در نیویورک و واشنگتن، لوس آنجلس و دانشگاه رسانه‌ای در آستین تگزاس مصاحبه شده است.

پرسش این بود: رسانه‌ها امروز در امریکا به چه صورت هستند؟ این که چهل سال پیش در واشنگتن چهار روزنامه وجود داشت و امروز یک روزنامه هست، یعنی چه؟ پدیده رسانه دیگر یا آترناتیو

مدیا به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر، چه مقوله‌ای است؟ باور مردم به این که امریکا در حال سقوط است، چه باوری است؟ این را باید از زبان خود آن‌ها شنید. این‌ها باید بگویند که چه اتفاقی دارد می‌افتد. باید این حوادث، ثبت و برای مردم خودمان گفته شود تا بدانند ما کجای نقشه جهان هستیم، چه وظایفی داریم و چه افقی در پیش رو هست. بار ما هر روز سنگین‌تر می‌شود. باید سریع‌تر به این الگوهای اسلامی برسیم. آن‌هایی

که شهود نکردند و نمی‌دانند یا باور ندارند و به این الگوهای غربی چسبیده‌اند، در بسیاری از عرصه‌ها خطر بزرگی هستند. دیگر نباید

این قدر هزینه بدهیم. باید سریع به الگوی اسلامی برسیم. در این زمینه باید جهاد کرد.

در طی سفر پنج‌ماهه و اندی، من دو رئیس‌جمهور ایرانی را در امریکا دیدم؛ حاج آقای خاتمی که در بخشی از سفر در دانشگاه‌های ویرجینا و هاروارد همراه ایشان بودم و آقای احمدی‌نژاد که در نیویورک بودند. همراه هر دو بودم. توجه عموم مردم امریکا علی‌رغم سمپاشی رسانه‌های



این کشور به موضوع ایران، یک توجه ویژه است. علت این توجه، دروغی است که به آن‌ها گفته شده و امریکا به افغانستان و عراق حمله کرده؛ این که گفته‌اند: ۱۱ سپتامبر کار القاعده است. من چندین نوع از این جلسات را خدمت شما می‌گویم. آخرین آن‌ها در یکی از سالن‌های بزرگ نیویورک برگزار شد و سخنران، اسکات ریتر بود. وی بازرس ویژه سازمان ملل در موضوع سلاح‌های کشتار جمعی عراق بود که بیانیه داد تمام این سلاح‌ها نابود شده است. اسکات ریتر یک مبارز است و کتابی هم به نام هدف ایران نوشته و در آن توضیح می‌دهد که حکومت کنونی بوش، چه میزان از حقایق به دور است.

در یک جلسه دیگر در تگزاس داخل کلیسای یونیتترین یعنی توحیدیان رفته بودم؛ این‌ها فرقه‌ای از مسیحیت هستند که به تثلیث اعتقاد ندارند. در آن‌جا یک پنلی بود و چند نفر سخنرانی می‌کردند. از جمله یک سرهنگ بازنشسته پنتاگون، یک مأمور بازنشسته سیا و دو نفر معلم و استاد دانشگاه. موضوع سخن هم درباره بحران ۱۱ سپتامبر و آینده مبهم امریکا بود. اسکات ریتر در اجتماع مردم صحبت کرد؛ ولی در هیچ روزنامه‌ای چاپ نشد. این وضعیت رسانه‌های اصلی امریکا است. سخنان این چند نفر در هیچ روزنامه‌ای انعکاس نیافت! بعدها دنیس کوسینیس که نماینده دموکرات اوهایو است جلسه‌ای را در کنگره ترتیب داد و عده‌ای را هم دعوت کرد تا در رابطه با خطر حمله به ایران، پنل او باشند. این جلسه یک ساعت و نیم طول کشید و خبرنگاران از همه جا حاضر بودند. روز بعد در روزنامه واشنگتن پست هیچ خبری از این اجتماع نبود! چون همه سخنرانان حاضر در جلسه می‌گفتند: حماقت محض است که ایران را تهدید بدانیم و تبلیغاتی که در رابطه با تهدید ایران هست، اوهام است. البته به خاطر لابی صهیونیسم جرات نمی‌کردند خیلی مستقیم صحبت کنند. کنترل رسانه‌ها در امریکا را ببینید!

تنها امتیاز امت‌های مؤمن جهان، روند تاریخ است. این به نفع آن‌ها است، سیر تاریخ، مثل بارانی است که بر کوه آمده است. کوه سرایشی دارد. این باران باید از کوه پایین بیاید یا نه؟ به خاطر همین، من اسم این مجموعه مستند را «امریکا، شمارش معکوس» گذاشتم. چون اعتقاد دارم همان‌طور که شوروی فروپاشید، امریکا هم فرو می‌پاشد. علت آن هم این است که لیبرال دموکراسی

